

واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران

انتشارات فرهنگستان زبان ایران شماره (۷) تهران ، اسفندماه ۱۳۵۲

نقد و بررسی : جواد برومند سعید

در ممالک پیشرفته معمولاً " فرهنگستانها بالاترین مراجع علمی ، و پژوهشگران نیز افرادی تحصیلکرده و فهمیده هستند و اگر پژوهشی منتشر کنند در خور تحسین و استفاده است ، چه آنها به منظور نشان دادن ارقام و شماره دست به چاپ کتاب نمیزنند بلکه در آن سرزمینها سودمندی کتاب و نیاز مردم مطرح است احترام روال کار فرهنگستان زبان ایران هم چنین است . در طی چهار پنجالی که از عمر بر پائی این سازمان میگذرد چند جلد کتاب منتشر کرده است از اینقرار :

دو جلد از این انتشارات استخراج " معربات صراح و صحاح " است همانطور که از نامشان پیدا است از روی کتب دیگری رونویس شده اند درباره آنها سخنی نمیگویم چه درخور هیچگونه سخنی نیستند . و اگر هم سخنی باشد سخن را روی با نویسنده اصلی کتاب است نه با دیگران .

چند جلد هم واژه نامه بسامدی ساخته است که از جمله آنها واژه نامه بسامدی مقدمه شاهنامه ابومنصوری است . برآستی فرهنگستان زبان ایران از مقدمه آن شاهنامه کوچک ، شاهنامه ای بزرگ ساخته است .^۱ این نوع کارها از آن هر کسی یا هر دستگاهی که باشد ، غم

۱ - مجله دانشکده شماره نخست زمستان ۱۳۵۳ مقاله آقای دکتر سادات ناصری استاد دانشگاه تهران صفحه ۱۳۷ .

انگیزاست و نامقبول (۱)

شماره ۷ انتشارات فرهنگستان زبان کتاب فوق الذکر است این کتاب نیز مبلغی خرج برداشته تا چاپ آن خوب و کاغذش مرغوب و رنگش مطلوب شده است .
بعنوان رساله دکتری و پیش‌آگاهی به‌اینکه پذیرفته خواهد آمد ، کتابی بسودمند و نام انگیز است اما از جهت اینکه بدرد دیگران هم بخورد جای تردید یابی تردید است .

ادعای بی جا

با اینکه معنی این تردید صدیقین است معینا برای اینکه خوانندگان هم به همین نتیجه برسند این کتاب را از مقدمه میخوانیم تا آنجا که میفرمایند :
"اگر زبان نباشد (زبان به معنای عام آن که هر وسیله‌ای برای تفهیم و تفهیم باشد) جامعه انسانی از هم میپاشد . پیشگفتار صفحه نه . این تئوری بسیار جدیدرا فقط در همین کتاب میخوانیم اما واقعیت امر باید چیزی جز اینها باشد ، زیرا انسان نخستین زبان نداشت و پاشیده بود ، بعدا " جمع شد و تشکیل جامعه داد و سپس احساس احتیاج به زبان گردانگاه زبان را بوجود آورد ، بنابراین جامعه انسانی بدون زبان از هم نمیپاشد بلکه تلاش میکند تا راهی برای ارتباط و همبستگی خود پیدا کند به‌این سادگیها که ساده‌انگاران میپندارند جامعه انسانی از هم نمیپاشد مطابق تعریف علمای زبان‌شناسی ، زبان نهاد اجتماعی است (۲) یا این تعریف زبان نتیجه ثانوی تشکیل جامعه است نه بی‌زبانی سبب پاشیدگی جامعه !
نمیدانم چرا بیاد زنگهای انشای دبستان افتادم در آنجا دانش‌آموزان مثلا " در فایده علم چنین میخوانند : علم خوب است ، علم لازم است ، اگر علم نباشد جامعه انسانی از هم میپاشد ، تیرگی بر جهان سایه میافکند و ...

۱ - مجله دانشکده شماره نخست زمستان ۱۳۵۲ مقاله آقای دکتر عادات ناصری استاد دانشگاه تهران صفحه ۱۳۷

۲ - نگاه کنید به Elements of General Linguistics تألیف آندره مارتنیه ترجمه انگلیسی الیزابت پالمر چاپ لندن ۱۹۶۴ صفحه ۱۷ نیز نگاه کنید به :
the study of Language تألیف جان . ب . کارول ، چاپ دانشگاه هاروارد ، ۱۹۶۳ ، صفحه ۱۵ . نیز نگاه کنید به تاریخ زبان فارسی آقای دکتر خالری چاپ بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ ، صفحه ۱۶ ، این مطلب در همه کتابهای زبان‌شناسی هست از ذکر بقیه به سب رعایت اختصار خودداری شد .

اقرار مدعی

باز هم در مقدمه چنین می‌خوانیم: (اگر من معیاری را که در آمریکا ملاک قرار داده بودند مینا قرار میدادم میبایست حدود ۹۸۵۰ نوشته‌از کودکان دبستانی دانشپایه دوم تا ششم را مورد پژوهش قرار دهم تا نمونه قابل اعتمادی از واژگان نوشتاری کودکان به دست داده باشم. متأسفانه من نمیتوانستم نمونه‌گیری خود را بر این پایه انجام دهم زیرا نمونه‌گیری با این وسعت از عهده یک تن بیرون بود. پیشگفتار صفحه بیست، اندکی فروتر چنین آورده است: (... حال آنکه ۱۰۸۵ نامه مورد بررسی من از ۹۰۸ دبستان و ۱۶۰ شهر در سراسر ایران میباشد.) پیشگفتار صفحه بیست و سه.

این سخن مؤلف است، یعنی اقرار مدعی اما معلوم نیست فرهنگستان زبان ایران با کدام چشم باز وادار به اعتراف زیر شده است "چون این پژوهش گامی در راه رسیدن به دو هدف یاد شده این فرهنگستان است شایسته دیده‌شد که به چاپ و نشر آن اقدام گردد. مقدمه اول صفحه ۲.

مطابق اعتراف خود مدعی این پژوهش تقریباً ۹ مرتبه از پژوهشهای معمولی و مشابه ناقص‌تر است. در نتیجه تعدادی از واژه‌های مستعمل کودکان در این لیست نیامده است، آیا پژوهشی که تا این حد نقص داشته باشد میتواند شایسته باشد وانگهی این اقرار خود این حد هم افزون‌تر است با هم‌ماینها صادقانه بار دیگر اعتراف می‌کند: (البته نباید گمان کرد که حجم واژگان نوشتاری کودکان همین است که از این پژوهش نتیجه شده است.) پیشگفتار صفحه سی و سه.

اگر فرصت و حوصله میداشتند و این اقرارها را با بینشی واقعی میدیدند یا به خود کتاب مراجعه میکردند چنین پژوهشی را شایسته چاپ و نشر نمی‌شناختند. آنگاه آمار انتشارات میکاست و با این‌گاهش آمار خوانهای کتاب‌ناشناس را نمیشد خرسند کرد. حافظه ندارد

فرا تر چنین می‌خوانیم: "از کم بختی پژوهش همانندی که فهرست و شماره واژگان نوشتاری پایه کودکان دبستانی را در کشور دیگر نشان دهد در دسترس نگارنده نبود تا بر- آیند این پژوهش با آن سنجیده شود" پیشگفتار صفحه ۴۰. اما کمی بعد به علت کم

حافظگی به این عبارات برمیخوریم . " هنری د. جریسنلند در پژوهشی که برای تعیین واژگان پایه کودکان دبستانی آمریکا انجام داده، شماره واژگان کودکان دبستانی آمریکا را ۲۵۶۳۲ واژه نوشته است . " پیشگفتار صفحه ۴۱ .
در هر حال با خوشبینی کامل باید گفت ؛ ممکن است از کمی حافظه باشد .

ادعای دیگر

خوبست قبل از آنکه به بررسی متن کتاب بپردازیم ادعائی دیگر را بدون هیچگونه اظهار نظری اینجا نقل کنم ، این است آن ادعا ؛ "سودهایی که از این پژوهش میتوان برد بسیار است . پیشگفتار صفحه ۴۵

نقص و اژغان

در پایان کتاب چند پیوست به این اثر پیوسته است از جمله پیوست ۳ مربوط به فهرست موضوعی از واژههای کودکان است . و از این فهرست مثلا " به فهرست خوراکیها و مزهها و آنچه مربوط به ادعای است مراجعه میکنیم . در این فهرست نام بعضی خوراکیها آمده است مثلا " : آبگوشت ، کباب ، جلو ، آش و . . . ولی از بسیاری خوراکیها نامی نیست مثلا " : سوپ ، سالاد ، پلو ، قرمه ، قیمه ، کوفته ، کتلت ، ککو ، شامی و . . . و یا در فهرست گیاهان نام بعضی از میوهها و گیاهان آمده است مثلا " : بادمجان ، زردآلو ، خرما ، انگور و . . . ولی نام بسیاری از میوهها و گیاهان نیامده است مثلا " : نارنج ، نارنگی ، لیمو ، گرمک ، طالبی ، آلو زرد ، شلیل ، شفتالو ، توت فرنگی ، کدو و . . . این نقصه و نقائص دیگر از این قبیل از دو حال خارج نیست یا باید پذیرفت که کودکان دبستانی ایران این میوهها را نمی شناسند و آنها را نمی نویسند یا باید گفت این به سبب آن کوتاهی بوده است که در انتخاب تعداد نوشتهها بکار رفته است یعنی نامه های مورد بررسی ۹ مرتبه از معیار قابل قبول کمتر است در نتیجه تعدادی واژه مستعمل در لیست مؤلف محترم راه نیافته است . مثلا " در این لیست نام دو ماه از ماههای سال نیامده است . ماه مرداد و مهر . راستی اگر روزی

خواستند کتابی برای کودکان دبستانی ایران بنویسند و از این کتاب بعنوان راهنما استفاده کنند باید نامی از مهر و مرداد، گرمک و شغفالو نباشد، چه ادعای سودی که بر این کتاب شده این است؛ (از آن میتوان در آموزش زبان به کودکان، در آموزش خواندن به آنان، در نوشتن کتابهای ساده برای آنان، سود برد،) پیشگفتار صفحهٔ چهل و پنج فی المثل اگر خواستند بنویسند دبستانها در مهرماه باز میشوند، چون واژه مهر را نمی‌شناسند باید نوشت دبستانها در ماهی که بعد از شهریور می‌آید باز میشود!

فضل منحصط

در سری واژگان کودکان دبستانی ایران واژه‌هایی لیست شده است که این واژه‌ها سالهاست که از سیستم واژگان بزرگترها یا خارج شده و یا در حال خارج شدن هستند و آنها نقشی در زبان فعلی فارسی ندارند، از جمله قداره، کشکول، کنیز، عباسی (واحدبول)، لباده، قبا، خاتون، ممکن است بفرمائید این کودکانند که این واژه‌ها را نوشته‌اند و ما لیست کرده‌ایم، لیست کننده را تقصیری نیست، اما باید گفت هرگاه پژوهشی که قداره، لباده و... را از نامه به لیست بکشاند و جایی برای واژه‌هایی چون تخته سیاه، پاک‌کن، خط‌کش، مهر و مرداد، و... در سری واژگان کودکان دبستانی نگذارد آن سیستم پژوهشی چگونه میتواند راهنمای کتاب نویسی برای کودکان باشد.

رتال جامع علوم انسانی

فعل مرکب

معلوم نیست معیار تشخیص فعل مرکب در این کتاب چیست؟ مثلا "تخمه شکستن"، حصیر بافتن، سنگ انداختن، فلوت زدن راجزوا افعال مرکب انکاشته‌اند اگر بتوان مثلا؛ تخمه شکستن را فعل مرکب گرفت بنابراین میتوان افعال مرکب دیگری از این قبیل همچون دست شکستن، سرشکستن، قند شکستن، فندق شکستن، گردو شکستن و... هزاران فعل مرکب دیگر ساخت. و این با معیارهایی که برای تشخیص فعل مرکب مطرح است مطابقت

نمیکنند، کسی که در زمینه زبان پژوهش میکند باید ابتدائی ترین دانستن دستور زبان باشد، باشد.

لی نظمی

در برابر واژه‌ها توضیحات غیر کافی و نا هم‌آهنگی داده شده است مثلا " در برابر داده " نوشته شده است " وجه وصفی " ولی در برابر " پسندیده " و " بریده " نوشته شده است " صفت " و در برابر بعضی هم هیچ توضیحی مرقوم نرفته است مثلا " : " برده " رنجیده " ، پراکنده " .

گاهی زمان بعضی افعال را تعیین کرده است مانند : آورد " فعل ماضی " و گاهی هم بعضی افعال که صورت ماضی و مضارع آنها یکی است زمان آنها را معین نکرده اند مانند (" نیاورد " ، برآورد " نشانند " چه این افعال ممکن است هم ماضی باشند و هم مضارع . برای افعالی که دارای یک زمان معین هستند توضیحات متفاوت داده شده است مثلا " برای " می خرید " نوشته شده است " فعل ماضی " ولی برای " می خوابید " و " خرید " نوشته شده است " فعل " .

از بعضی توضیحات لازم صرفه جوئی شده است مثلا " آموزگاری " معلوم نیست که شغل آموزگاری مطرح است یا یک آموزگار و " عروسی " هم از همین مقوله است چه (ی) آنرا تعیین نکرده اند . برای بعضی ترکیبات توضیح داده شده است که نقش آنها چیست مثلا " هیزم شکن " " اسم " اما برای بسیاری از ترکیبات هیچگونه توضیحی داده نشده است مانند آوازه خوان ، ورزش کار ، اسب سوار و . . . گاهی برای بعضی واژه‌ها هیچگونه توضیحی داده نشده است مثلا " خاک توست " برای " خواباندن " بمنظور توضیح و معنی " خوابانیدن " و برای " ترساندن " " ترسانیدن " را نوشته اند اما برای واژه‌هایی از قبیل " خوراندن " و " پروراندن " هیچ نوعی توضیحی اضافه نکرده اند - گاهی برای بعضی واژه‌ها معنی نوشته شده است که چندان ضرور نبوده است مثلا " : تومان (واحد پول) ، جاری (روان) ، خوف (ترس) اما برای واژه‌هایی که کاربردهای متفاوت دارند و امکان اشتباه میرود هیچ توضیحی داده نشده است مثلا " (توپ) چه این واژه بدو معنی است ۱ - اسباب بازی ۲ - ابزار جنگ ، فرمان " بدو معنی است ۱ - دستور ، ۲ - رل اتومبیل " مه " نیز دارای دو معنی و دو

قرائت دارد و " مو " نیز دارای معنی و دو قرائت است به هیچکدام از این مسائل اشاره نشده است و استفاده جویان از این کتاب بعلت در ابهام بودن این واژه‌ها کاملاً " سرگردان و دودل خواهند بود .

اظهار فضل

گاهی در برابر واژه‌های بیگانه صورت لاتین آن داده شده است مانند " لن " و کت و " کیک " در این مورد هم روش یکسانی وجود ندارد مثلاً " برای واژه‌هایی دیگر از این دست صورت لاتین آن را ننوشته‌اند مثلاً " رفوزه " " مینی ژوب " " گارسن " در هر حال ما نمیدانیم شاید مؤلف محترم صلاح ندانسته‌اند که همه واژه‌ها را به یک‌چوب برانند . برای " مردک " نوشته شده است (یک تصغیر) اما چیست وضعیت واژه‌هایی از قبیل " چاهک " " طفلک " " جوانک " که برای ایشان هیچ توضیحی نوشته نشده است .

واژگان مرده

در سری واژگان کودکان دبستانی واژه‌هایی می‌بینم که این واژه‌ها سالهاست حتی از حوزه واژگان بزرگترها یا خارج شده و یا در حال خارج شدن هستند در واقع آنها در حال حاضر هیچگونه نقشی در زبان فارسی ندارند از قبیل قداره ، کسکول ، کنیز ، عباسی (واحد پول) ، لباده ، داروغه ، قبا ، طاری ، غلام ، کنیز ، دلاک ، داروغه ، طراری ، حانون ، کالسکه ، جلاد خلیفه اما در عوض واژه‌های بسیار ضروری که از نظر کودکان دبستانی که کاربرد روزانه دارند در این کتاب نیامده است مانند تخته سیاه ، پاک‌کن ، خط‌کش و غیره . است مانند تخته سیاه ، پاک‌کن ، خط‌کش و غیره .

... آنچه مربوطه به آنهاست

از صفحه ۶۷۵ تا پایان کتاب یعنی تا صفحه ۶۹۸ چند فهرست موضوعی تهیه شده است که تعدادی از واژه‌های کتاب زیر چند عنوان دسته‌بندی شده است از این قرار :

" جانوران و آنچه مربوط به آنهاست " و اندامها ، حسها اجزاء و کارهای مربوط به آنها "

پیشروان پیشه‌ها و کارها و هر آنچه مربوط بدان است و " جایها ، سازمانها و هر آنچه

مربوط به ساختمان و آنهاست " افزارها و هر آنچه مربوط به آنهاست " و (خوراکیها و مزهها و آنچه مربوط به آنهاست "

چند سؤال در مورد این فهرستها مطرح است اینکه وقتی ما " بره " و خروس و گاو و مرغ و کلاغ را از یک طرف در فهرست می بینیم از طرفی دیگر " بع بع " قوقولی قوقو " قدقد " هدهد " " مع مع " را در همان فهرست می بینیم از آنجا نیکه این واژهها الفبائی فهرست شده اند از کجا معلوم است این واژههای ثانی مربوط به کدام حیوانات است و انگهی اگر معلوم شد که این آواها از آن چه حیواناتی هستند سودی که محتملا " از این کار بدست می آید چه میتواند باشد ؟

از همه مهمتر اینکه ملاک تشخیص و حدود این ارتباط چیست نویسنده محترم روش علمی برای میزان ارتباطها نشان نداده است مثلا " وقتی " بع بع " به " بره " مربوط می شود آیا " علف " به بره مربوط نمیشود یا اینکه در فهرست پیشهها و پیشهوران وقتی " میوه فروش " می آید نباید میوههایی از قبیل آلبالو ، انجیر ، انگور ، پرتغال و . . . در این لیست وارد شود .

لا بد نویسنده کتاب دلیلی دارد که این میوهها را مربوط به میوهفروش نداند و آنها را مربوط به باغبان بداند اگر فرض وی چنین هم بوده است باز بایستی نام میوههایی از این قبیل در همین لیست وارد شود چه واژه باغبان نیز در این فهرست هست .
مثلا " ستر چرانی آمده است و " ستر " که مربوط به سترچران میباشد فهرست نشده است . علاوه بر آنچه گذشت در زیر فهرست " پیشهوران پیشهها و کارها و آنچه مربوط بدان است " به پیشهها و پیشهورانی بر می خوریم که بسیار تایان توجه است از اینقرار : بیکار ، گناهکار ، چادر نشینی ، فقیر ، مست ، نوسواذ ، همدم ، همبازی ، همسال ، همسایه ، همسر ، همنشین و . . . ما ندانستیم مثلا " بیکار و همسایه از چه نوع پیشهورانند .

شاید فرهنگستان زبان ایران که پول صرف چنین تحقیقاتی میکند مطالبی در توجیه این پیشهها و پیشهوران دارد و همچنین میداند سود این نوع تحقیقها چیست .
با توجه به امکانات مادی و سرمایه ای که صرف پژوهش در فرهنگستان زبان میشود و فراغتی که برای پژوهش کاران آن سازمان فراهم است و بازدهی کارهایی از این دست نمی داتم چرا شعر زیرین را در خور تکرار می بینم .

زمانه عرصه میدان مرد باید و نیست طیب هست و دوا هست و در دبا بدو نیست